

الھا معبودا مسجودا مقتدرا، شھادت میدھم کہ تو بوصف ممکنات معروف نشوی و باذکار موجودات موصوف نگردی، ادراکات عالم و عقول امم بساحت قدست علی ما ینبغی راه نیابد و پی نبرد، آیا چه خطا اهل مدینہء اسماء را از افق اعلایت منع نمود و از تقرّب ببحر اعظمت محروم ساخت، یک حرف از کتابت امّ البیان و یک کلمہ از آن موجد امکان، چه ناسپاسی از عبادت ظاہر کہ کلّ را از شناسائیت باز داشتی، یک قطره از دریای رحمت نار جحیم را بیفسرد و یک جذوہ از نار محبت عالم را بر افروزد، ای علیم اگر چه غافلیم و لکن بکرمت متشبّث و اگر چه جاہلیم ببحر علمت متوجّہ، توئی آن جوادی کہ کثرت خطا ترا از عطا باز ندارد و اعراض اهل عالم نعمت را سدّ ننماید، باب فضلت لازال مفتوح بودہ شبنمی از دریای رحمت کلّ را بطراز تقدیس مزین فرماید، و رشحی از بحر جودت تمام وجود را بغنای حقیقی فائز نماید، ای ستّار پردہ برمدار لازال ظهورات کرمت عالم را احاطہ نمودہ و انوار اسم اعظمت بر کلّ تابیدہ، عبادت را از بدایع فضلت محروم منما و آگاهی بخش تا بر وحدانیت گواھی دهند و شناسائی ده تا بسویت بشتابند، رحمت ممکنات را احاطہ نمودہ و فضلت کل را اخذ کردہ، از امواج بحر بخششت بحور طلب و طمع ظاہر ہر چه هستی توئی ما دونت لایق ذکر نہ إلاّ بِالذُّخُولِ فِي ظِلِّكَ وَالْوُرُودِ فِي بَساطِكَ، در ہر حال آمرزش قدیمت را میطلبیم و

فضل عمیمت را میجوئیم، امید چنانکه نفسی را از فضلت محروم نسازی و از طراز  
عدل و انصاف منع نمائی توئی سلطان کرم و مالک عطا والمهیمین علی من فی  
الأرضِ وَالسَّمَاءِ.